

## دلیل در مورد امور جزائی در حقوق جزائی فرانسه

راجع به آن مدارك هم مذاكراتى بعمل آید ولي قوت قانونی نخواهد داشت و ارائه آنها برای این است که قضیه را روشن نموده و بمنزله توضیحاتی است که وجدان قاضی را قانع می نماید

بهمین دلیل وقتی که خبر وقتی در امری واقع شد قاعده شفاهی بودن مذاکرات ایجاب نمیکند که خبره در جلسه استماع شود تا بتواند مفاد گزارش خود را تأیید نماید کافی است که گزارش خبره ضمیمه پرونده کار باشد و در اختیار طرفین دعوی گذارده شود تا در مذاکرات در جلسه مورد بحث قرار گیرد بالاخره گزارش خبروت در دسترس طرفین دعوی گذارده میشود و در نتیجه بحث شفاهی قاضی حد تأثیر آنرا قضاوت مینماید.

### ۶ - دلیلی که صورت قانونی دارد

فرق است بین مدارك کار که قضیه را ثابت میکنند و سائلی که برای تهیه مدارك بکار برده میشود این تشخیص را Faustin Hélie بخوبی ظاهر کرده است و چنین بیان کرده: « نیابتی بین مدارك اثبات کننده جرم و سائلی که برای تهیه مدرك بکار برده میشود اشتباه کرد مدارك اثبات کننده جرم مدارکی است که ممکن است دلیل قرار داده شوند از قبیل شواهد و قرائن و فرض های قانونی اظهارات طرفین گزارش ها قضایا بلکه موضوع را ثابت میکند توضیحات در هر مدرکی که حقیقت را ظاهر مینماید و سائلی که برای تهیه مدرك بکار برد، میشود عبارتند از عناصری که آلت بررسی و بررسی قاضی واقع میشوند و موادی که قاضی را به استنباط قضائی نزدیک میکند [ قانون اصول محاکمات جزائی مدارك اثبات کننده جرم را بقرار ذیل پیش بینی

بندی است بررسی و مذاقته که در محاکمه ازلی واصلی نسبت به مدارك مزبور شده در محاکمه نانی تأثیری نخواهد داشت کافی نیست که تحقیقاتی که در جلسه محاکمه بعمل آمده حضوری باشد.

بایستی ضمناً علنی بوده باشد: « تحقیقات بایستی علنی باشد و الا عملیات قضائی باطل خواهد بود » عبارت مزبور مستخرج از مواد ۱۵۳ و ۱۹۰ قانون اصول محاکمات جزائی میباشد - مع هذا هر چه قدر قاعده علنی بودن محاکمه عام باشد باز بواسطه حصری که در ماده ۸۱ قانون اساسی مورخه ۴ نوامبر ۱۸۴۸ میباشد محدود میباشد ماده مزبور چنین اشعار داشته است: « مذاکرات علنی است مگر این که مضربه انتظامات عمومی و اخلاق حسنه تشخیص شود که در این صورت دادگاه قرار سری بودن محاکمه را صادر میکند »

بالاخره مذاکرات بایستی شفاهی باشد - قاضی بایستی یقینی که حاصل میکند از راه تحقیقات کتبی که بعمل آمده است باشد بلکه بایستی از طریق تحقیقات و مباحثاتی که در جلسه انجام میشود تحصیل نماید و برای اعمال این نظریه است که ماده ۳۱۷ قانون اصول محاکمات جزائی در خانه عبارت خود چنین اشعار میدارد که « شهود شفاها اداى شهادت مینمایند »

معدلك نیابتی در باب قاعده مذاکرات شفاهی در جلسه راه مبالغه بيمودو مذاکرات شفاهی مانع از این نیست که در جلسه مدارك کتبی از هر قبیل ارائه شود تا مذاکرات در جلسه روشن تر شود همانطور که Faustin Hélie متذکر می شود « بکار بردن اوراق و مدارك کتبی مزبور تحقیقات در جلسه را تغییر نداده باین معنی که فقط موجب میشود که

متهم لزوم رسیدگی بآن را اشعار نموده چون در موقع تحقیقات در محکمه مورد استناد واقع نشده عدم رسیدگی بآن اعتراض بحکم مورد درخواست تمیز محسوب نمیشود تا بر فرض تأثیر موجب نقض آن گردد

لیکن بگفته از اعتراضات خواستار تمیز خلاصه اینکه (برای اثبات بی تقصیری خود بعضی از دفاتر اداری محل استناد نموده و محکمه رسیدگی بدفاتر مذکور نکرده است) ظاهر بر حکم مورد درخواست وارد می باشد چه بطوریکه اوراق صورت جلسه تحقیقات محکمه حکایت میکند پس از وصول لایحه از طرف متهم و تقاضای ابراز و مراجعه بدفتر مذکور محکمه در جلسه مقدماتی سه فقره از تقاضاهای مشارالیه را که از جمله رسیدگی بدفتر مذکور بوده لازم دانسته و در حقیقت این امر از نواقص تحقیقات تشخیص شده و مستنطق دستور داده که دفاتر مورد تقاضا خواسته شود و مستنطق نیز دفاتر را خواسته ولی اوراق مذاکرات و حکم محکمه هیچیک دلالت ندارد که آن دفاتر مورد نظر و رسیدگی محکمه واقع شده باشد و نظر باینکه دلائلی که متهم در مقام دفاع از دعوی برای اثبات برائت خود بدان استناد میکند خاصه با تشخیص محکمه بقبال توجه بودن آن بشرح فوق اصولاً میبایست مورد رسیدگی واقع گردد و اگر هم در نتیجه رسیدگی بنظر محکمه مؤثر نباشد علت عدم تأثیر آن را در حکم خود اتمام دارد بنابراین حکم مورد درخواست از لحاظ نقص تحقیقات با ماده ۳۸۱ اصول محاکمات جزائی و اصول مقرر مخالف است و بموجب ماده ۴۳۰ اصول مذکور بانفاق آراء نقض میشود...

تحقیقات در دسترس او نبوده و بعداً بدست مشارالیه آمده میبایست مورد رسیدگی واقع گردد - هیچیک بر حکم مورد درخواست وارد نیست زیرا .

۱- راجع بابر اصل رسیدن یازده فقره قبوض بطوریکه صورت جلسه حاکی است مشارالیه در محکمه حاضر و از تقاضای ابراز اصل ورقه رسیدن مزبور بیخبر نظر کرده و ظاهر محکمه نیز ملاحظه آنرا لازم ندانسته است .

۲- تشخیص خبر و رتبه اشخاصی که بعنوان اهل خبره انتخاب میشوند در امور جزائی موقوف بنظر محکمه با مستنطق قضیه است در این مورد بر حسب ارجاع محکمه مستنطق اشخاصی را که اهل خبره دانسته انتخاب کرده و در موضوع اظهار عقیده نموده اند .

۳- با ملاحظه جز ۸ از متمم قانون جزای عمال دولت مصوب ابان و آذر ۱۳۰۸ راجع بتفسیر و وظیفه مذکوره در ماده ۱۵۲ بر نظر محکمه که بلحاظ سیرده شدن وجه مورد اختلاس از طرف تحویلدار بمتهم عمل او را منطبق با ماده مزبور دانسته اشکالی متوجه نیست .

۴- طبق ماده ۷ از مواد مصوب ۵ آذر ۱۳۰۷ محکمه از دو تا پنج روز میتواند برای مراجعه به پرونده عمل بمتهم وقت بدهد و در این مورد بطوریکه اوراق مربوطه حاکی است بدو سه روز وقت برای اینکار معین و بمتهم اخطار کرده و بعد در روز هم مهلت را تمدید نموده و بالنتیجه حداکثر مدت مقرر درباره او رعایت شده است .

۵- ورقه که عکس آن بضمیمه لایحه تمیزی تقدیم و

### رای دیوان عالی تمیز برابر ام

در مورد قتل غیر عمد بر اثر بی احتیاطی که فرض تعمد در آن از عناصر جرم بشمار نرفته

تخفیف رعایت تخفیف را نکرده حکم را فسخ و با رعایت ماده ۴۵ متهم را به سه ماه حبس تأدیبی محکوم کرده است - محکوم علیه از حکم مزبور تمیز خواسته دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۶۳۷/۱۰۶۷۵۲۴ تاریخ ۱۷/۱/۱۶۱ چنین رای داده است :

(اعتراض عمده درخواست کننده تمیز خلاصه بالنتیجه دو امر است یکی آنکه از طرف مشارالیه بی احتیاطی نشده

کسی بانهم اینکه در طرز سیم کشی برق و انتخاب آن بی احتیاطی کرده و در نتیجه سیم بدست بچه ۱۲ ساله اصابت و بلافاصله فوت کرده تحت تعقیب واقع و دادگاه جنحه باستناد ماده ۱۷۷ ( راجع به بی احتیاطی که منجر بقتل غیر عمدی شده ) متهم را بیکسال حبس تأدیبی و بانصد ریال غرامت محکوم کرده است محکوم علیه از حکم مزبور استیناف خواسته دادگاه استیناف از لحاظ اینکه دادگاه جنحه با وجود ذکر علل

آن منحصرأً موقوف باطلاات خبروی باشد مستنداً حکم مورد درخواست واقع نشده تا عدم جلب نظر اهل خبره تأثیری در نقض داشته باشد و نهایتاً در عمل مورد حکم که عبارت از قتل غیر عمدی بواسطه بی احتیاطی است فرض نمیدیوچه بر سوء قصد نیز از عناصر جرم محسوب نمیشود و بالجمله چون از حیث رعایت اصول محاکمه و تشخیص تفسیر و تطبیق عمل مورد حکم با قانون و تعیین مجازات اشکال موثر موجب نقض بنظر نمیرسد حکم مورد درخواست بانفاق آراء ابرام میگردد

و برای کشف حقیقت جلب نظر خبره فنی لازم بوده و محکمه اقدامی در این خصوص نکرده است و دیگر آنکه در جرائم سوء قصد تعهد شرط میباشد و در این مورد این دو شرط موجود نبوده است و هیچیک از این دو اعتراض وارد نیست زیرا اولاً از مجموع دلائل و تحقیقات بی احتیاطی مشارالیه در نظر محکمه حاکمه محرز گردیده و نظر محکمه از حیث قابل اعتراض در مرحله تمیزی نیست و امریکه تشخیص

### رای دیوان عالی تمیز بر نقض

۱ - در مورد ابرام عدم توجه دعوی از طرف مدعی علیه

۲ - در مورد رد دعوی جلب ناشی که اصل دعوی متوجه او بوده

رهن و وثیقه داده بوده بر متصرف ملک اقامه دعوی کرده و سند او حاکی است که مدعی مبالغی قرض داده و ملک مورد دعوی را رهن گرفته و در مدت دین بر اهن اجاره داده و بعداً رهن سه دانگ را بدیگری و سه دانگ دیگر را بمدعی علیه انتقال داده است مدعی علیه ایراد عدم توجه بخود (بعنوان آنکه مدیون دیگری است) نموده و چون ایراد مزبور رد شده ناقل ملک را که رهن بوده جلب کرده دادگاه بدایت دعوی را متوجه مدعی علیه دانسته و عرضحال جلب ثالث را رد کرده است حکم مزبور در مرحله استینافی تأیید شده محکوم علیه تمیز خواسته دیوان عالی تمیز شعبه (۱) در حکم شماره ۲۵۷۱ ر ۱۴۴۴۷ تاریخ ۱۲ ر ۱۱ ر ۱۶ چنین رای داده است

(چون از جمله اظهارات وکیل مستدعی تمیز در مراحل محاکمه و رسیدگی ماهیتی که در لایحه اعتراضیه نیز تذکر داده است ایراد توجه دعوی است بقرب آنکه چون مستدعی علیه (مرتهن) در عرضحال بدوی مطالبه وجه ادعائی را که (رهن و مجاوب ثالث) طلب داشته از منتقل الیه مطالبه نموده است و نسبت بملک مورد تقاضای ثبت و ثبت شدن حق خود هیچگونه دعوی و اعتراضی ننموده و باین حال دعوی وجه متوجه موکل او نیست اعتراض فوق وارد

بموجب ماده (۳) اصلاحی از ماده ۳۳ ثبت - در صورتیکه مال مورد معامله با حق استرداد در تصرف شخص دیگر غیر انتقال دهنده یا وارث او باشد انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او برای وصول طلب خود بابت اصل وجه و متفرعات میتواند بهر يك از انتقال دهنده یا وارث او یا کسی که عین مورد معامله را متصرف است اقامه دعوی نماید و رجوع بهر يك مانع مراجعه بدیگری نخواهد بود

بموجب ماده ۱۶ قانون ثبت در مورد املاکی که به رهن یا بیکی از عناوین مذکور در ماده ۳۳ (معاملات با حق استرداد) انتقال داده شده رهن یا انتقال دهنده مکلف است حق طرف را در ضمن اظهارنامه خود قید نماید وگرنه مرتهن یا انتقال گیرنده میتواند تا یکسال از تاریخ گذشتن رهن یا حق استرداد بوسیله اظهارنامه رسمی حق خود را مطالبه کند و اگر رهن یا انتقال گیرنده حق طرف را نداد کلاه بردار محسوب است ...

بموجب تبصره ماده ۱۱۶ - مرتهن یا انتقال گیرنده که در ظرف یکسال اخطار بر اهن یا انتقال دهنده نکند تا وقتیکه مشمول مرور زمان شده حق مطالبه طلب خود را خواهد داشت ...

کسی بمدعی به مبالغی بابت دین که مدیون ملک را

عینی او که حق وثیقه و ارتهان است ساقط میگردد ولی مادامیکه مرور زمان منقول شامل طلب او نشود مطالبه طلب خود را فقط از مدیون اصلی خواهد داشت و در این موضوع که اعتراض نسبت مدعی از جهت قید نکردن حق ارتهان در تقاضای ثبت نشد و فقط در عرض حال مطالبه وجه از منتقل علیه گردیده چنین دعوی متوجه مدعی علیه نیست و ماده ۳ قانون اصلاحی شامل آن نمیباشد و نیز اعتراض دیگر مستدعی تمیز (باینکه با فرض توجه دعوی بمدعی علیه اصلی از جهت تصرف و مشارالیه در عینی که وثیقه و متعلق حق مدعی بوده چون اصل دین اساساً بدهی مجلوب بود، و بهمین جهت محاسبه وجه محکوم به از یولیکه مشارالیه نزد جالب داشته محکمه ممکن داشته در این صورت نیز حکم برد دعوی جالب نسبت بمجلوب صحیح نبوده و میبایست مجلوب را نیز محکوم به تادیه وجه معادل محکوم بهر چند از طریق محاسبه و احتساب باشد بپذیرد و ابد و ابد است نظر بر مراتب فوق حکم مورد استدعاء تمیز معلول و بموجب ماده ۳۴۰ قانون آزمایش با تفق اراء منقوض است ...)

است چه تنها استناد وکیل مستدعی علیه در اقامه این دعوی و همچنین مأخذ و مدرک قرار توجه دعوی مورخ ۲۱ فروردین ۱۴ راجع باین ایراد که از محکمه صادر گردیده و نیز مبنای حکم محکمه ثبت بدایت و استیناف دابر بمحکومیت مستدعی تمیز شده ماده سوم اصلاحی ماده ۳۳ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۲ است و این ماده چنانچه مشهود است در مقام بیسان حکم معاملات انتقالی است که با حق استرداد واقع شده و ربطی بمعامله رهنی که نقل و انتقال با حق استرداد در آن متصور و ملحوظ نیست ندارد و متکفل بیان حکم ملک رهنی که مورد تقاضای ثبت واقع شده ماده ۱۱۶ و تبصره ذیل آن میباشد از ماده اخیر وضوحاً مستفاد است که چون رهن نیز از حقوق عینی میباشد در ضمن ثبت اصل ملک در دفتر املاک قید گردد و رهن با کسی که قائم مقام اوست مکلف است در موقع تقاضای ثبت ملک حق مرتهن را در ضمن اظهارنامه خود قید نماید و در صورتیکه متقاضی بتکلیف خود عمل ننماید مرتهن در مدت مقرر از تاریخ اولین آگهی میتواند اعتراض نموده و تقاضای قید حق مذکور را در دفتر نماید و الا حق

### رای دیوان عالی تمیز بر ابرام

در موردیکه موضوع اتهام منطبق با اتلاف اسناد دولتی شناخته نشده

بر فرض صحت اسناد محکمه چون عمل ارتكابی منتهی را لااقل اهانت بامور دولت بسبب انجام وظیفه میتوان تشخیص داد تبرئه مشارالیه از عمل ارتكابی خالی از اشکال بنظر نمی رسد تأثیری در نقض حکم مورد درخواست ندارد زیرا محکمه از نقطه نظر اتهام متهم با اتلاف اسناد دولتی حکم تبرئه او را صادر کرده و عمل متهم از آن حیث که مورد اعتراض واقع شده مورد تعقیب و حکم نبوده تا بر فرض ورود موثر در نقض باشد و چون عمل متهم در باره کردن ورقه حکم محکمه بملاحظه کیفیت آن اتلاف سند بنحویکه مشمول ماده ۲۵۹ قانون مجازات عمومی گردد تشخیص نشده با مشاهده عین ورقه مزبوره باینگانی در پیرونده کار اشکالی از این جهت بر حکم محکمه متوجه نیست و از لحاظ اصول محاسبه و قانون اشکال موثر موجب نقض بنظر نمی رسد حکم مورد درخواست تمیز با تفق اراء ابرام میگردد)

بموجب ماده ۲۵۹ قانون مجازات عمومی - هر کس عالماً دفاتر و قبایح و سایر اسناد دولتی بسوزاند یا بهرنحو دیگری تلف کند بجز مجرمات مجرد از در تا ده سال محکوم خواهد شد.

کسی با اتهام یاره کردن حکم عدلیه در دادگاه جنائی با اسناد ماده ۲۵۹ مورد تعقیب واقع و دادگاه از لحاظ اینکه ماده مزبور ناظر بر موارد اعدام و اتلاف اسناد دولتی است و در این مورد اتلافی نشده و اطلاق اتلاف عرفاً بچنین ورقه مورد ندارد متهم را تبرئه کرده است.

مدعی العموم استیناف از حکم مزبور تمیز خواسته - دیوان عالی تمیز شعبه (۲) در حکم شماره ۱۰۳۸۹ ر ۲۴۳۶ مورخ ۱۶/۱۱/۱۳۱۶ چنین رای داده است : (اعتراض یاره که استیناف بر حکم استینافی آنکه بر)